

ویژه

اندیشکده «شورای امور جهانی خاورمیانه» بررسی کرد کاهش احتمال بازگشت ایران به مذاکرات

اندیشکده «شورای امور جهانی خاورمیانه» در گزارش خود با اشاره به اینکه اگر دولت جدید دونالد ترامپ فشارها علیه ایران را تشدید کند، احتمال بازگشت این کشور به مذاکرات کاهش خواهد یافت، نوشت: تا زمانی که دیپلماسی بر مبنای احترام متقابل و اصل «اعتماد اما راستی آزمايي» محور سیاست آمریکا در قبال ایران نشود، پیشرفت معناداری در وضعیت فعلی حاصل نخواهد شد.

اندیشکده فطری «شورای امور جهانی خاورمیانه» در گزارشی با عنوان «فشار حداکثری بر ایران، نتایج حداقلی» می‌نویسد: یکی از مسائل کلیدی سیاست خارجی که دونالد ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود با آن مواجه است، چالش‌ها با ایران است. در همین راستا، ترامپ سیاست «فشار حداکثری» را که در دوره قبلی او ویژگی اصلی رویکردش نسبت به ایران بود، احیا کرده است. هم‌زمان، سیاستمداران تندرو و واشنگتن دولت را ترغیب می‌کنند تا فرانسه، آلمان و انگلیس، اعضای گروه ۵+۱ که در سال ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای را امضا کردند را قانع سازد که مکانیسم بازگرداندن قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران موسوم به اسنپ بک را فعال کرده و تحریم‌های این شورا را علیه ایران مجدداً اعمال کنند.

به نظر می‌رسد تمام این اقدامات با هدف بازگرداندن ایران به میز مذاکره از موضعی ضعیف‌تر انجام می‌شود. البته که تجربه نشان داده دیپلماسی زور، نه‌تنها تأثیر معکوس داشته، بلکه موجب افزایش نگرانی‌های امنیتی ایران شده و این کشور را به استفاده از تمام گزینه‌های موجود برای مقابله با منافع آمریکا در منطقه تحریک می‌کند. این موضوع به ویژه زمانی صادق است که دیپلماسی زور با هدف تضعیف امنیت ملی و قدرت بازدارندگی ایران صورت می‌گیرد. در عوض، رویکردی ضروری است که پیچیدگی‌های و بحران امنیتی بین ایران و آمریکا را تشدید نکند، بحرانی که هر دو کشور را در بن‌بستی نامتقارن و دائمی گرفتار کرده است.

درک دیدگاه تهران

سیاست خارجی ایران طی قرن گذشته تحت تأثیر جنگ‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، قیام‌ها و تحریم‌هایی شکل گرفته که اغلب با مداخله یا نفوذ مستقیم غرب به‌ویژه ایالات متحده، همراه بوده است. این پیشینه تاریخی باعث شده که ایران به شدت نسبت به دخالت خارجی و استفاده از زور حساس بوده و پیشگیری از آن، محور اصلی گوش سیاست خارجی این کشور قرار گیرد. طی دو دهه گذشته، تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه که با حملات نظامی و اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۳ و عراق در ۲۰۰۳ توسط آمریکا آغاز شد و سپس با قیام‌های عربی در ۲۰۱۰ (بازافت، به‌عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت و تمامیت ارضی ایران تلقی شده است.

این موضوع در سخنان رهبر ایران نیز مشهود است که تأکید دارد تنها راه جلوگیری از جنگ و تهدیدها، افزایش قدرت است. بر این اساس، ایران بر توسعه استقلال سیاسی و نظامی خود، پیشرفت برنامه هسته‌ای و گسترش نفوذ منطقه‌ای متمرکز شده است. تحولات اخیر مانند درگیری مستقیم با اسرائیل، حملات گسترده اسرائیل به حزب‌الله، سرنگونی دولت اسد در سوریه و حملات به حوثی‌ها در یمن، بیش از پیش مقامات ایرانی را متقاعد کرده که امنیت کشور در معرض تهدید جدی و طرحی گسترده برای تضعیف حاکمیت ایران در جریان است.

علاوه بر این، تهران آمریکا را مسئول خروج از برجام و اجرای سیاست «فشار حداکثری» می‌داند. ایران این سیاست را تلاشی برای تغییر رژیم یا دست‌کم محدودسازی توانایی این کشور در دفاع از خود تلقی می‌کند. اگر دولت جدید ترامپ فشارها را تشدید کند، احتمال بازگشت ایران به مذاکرات کاهش خواهد یافت و این کشور به اتخاذ رویکردی تهاجمی‌تر روی خواهد آورد.

سیاستی شکست‌خورده و پیامدهای آن

برجام، که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، یکی از معدود موفقیت‌های دیپلماتیک در تاریخ طولانی تقابل میان ایران و آمریکا بود. تصمیم ترامپ در سال ۲۰۱۸ برای خروج یک‌جانبه از این توافق و اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی، در نهایت برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران نتیجه معکوس داشت. در پی این اقدام، ایران سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را از کمتر از ۴ درصد به بیش از ۶۰ درصد افزایش داد. علاوه بر این، افزایش پیشرفت چشمگیری در فناوری موشکی و ماهواره‌ای خود به دست آورد و سامانه‌های پهپادی‌اش تا حد زیادی پیشرفت کرد.

علاوه بر این، در حالی که ساختار «دفاع پیشرویی» ایران در منطقه در ماه‌های اخیر تضعیف شده، توانایی این کشور در این حوزه تا حدودی حفظ شده است. وزیر امور خارجه ایران، عباس عراقچی، اخیراً هشدار داده که حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند به فاجعه‌ای برای کل منطقه منجر شود. نویسنده در ادامه ادعا می‌کند که «ایران اگرچه فاقد توانایی نظامی و تکنولوژیکی لازم برای مقابله مستقیم با آمریکا و اسرائیل است»، اما ابزارهای بازدارندگی متقابل دارد. از جمله: تسریع برنامه هسته‌ای، نزدیکی بیشتر به روسیه و چین و اتخاذ جنگ نامتقارن علیه منافع آمریکا و متحدانش. ایران همچنین می‌تواند از کنترل خود بر تنگه هرمز برای مختل‌سازی تجارت جهانی استفاده کند. این تنگه نقشی حیاتی در دکترین امنیتی ایران دارد و تهران بارها تهدید کرده در صورت به خطر افتادن منافش، این را مستعدود خواهد کرد به طوری که در آوریل ۲۰۲۴، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک کشتی باری اسرائیلی را در این تنگه توقیف کرد. برخی در ایران خواهان استفاده از اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز برای پیشبرد اهداف امنیتی ایران هستند. آنها توقیف کشتی اسرائیلی را هشدار می‌دهند که دانستن و پیشه‌نهاد کرده که سپاه پاسداران شرایطی مشابه آنچه حوثی‌ها در دریای سرخ علیه کشتی‌های مرتبط با اسرائیل ایجاد کرده‌اند، در هرمز نیز پیاده‌سازی کند. عراقچی نیز در اظهاراتی تهدیدآمیز، به امکان سدوسازی تنگه اشاره کرده، اما تأکید داشته که فعلاً چنین تصمیمی در دستور کار دولت نیست.

پولی‌تیک

نامه اعتراضی ایران به شورای امنیت سازمان ملل



معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در حساب شبکه ایکس خود، از ثبت نامه اعتراضی ایران به عنوان سسند شورای امنیت سازمان ملل در پی اظهارات خلاف حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد رئیس جمهور آمریکا خبر داد.

کاظم غریب آبادی در حساب شبکه ایکس خود نوشت: حضور گسترده مردم شریف و بزرگ ایران در راهپیمایی بزرگداشت چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، پاسخ محکمی به تهدیدات اخیر رئیس جمهور آمریکا بود.

این دیپلمات عالی‌رتبه کشورمان افزود: ایران بطور قاطع از امنیت و منافع ملی خود حفاظت خواهد کرد. با هدف پیگیری‌های حقوقی نیز اظهارات خلاف حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد رئیس جمهور آمریکا طی یک نامه اعتراضی به عنوان سند شورای امنیت سازمان ملل به ثبت می‌رسد.

معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در پیام خود، بخشی از سخنان اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده را نیز بازنشر کرده است. اشاره غریب‌آبادی به سخنان اخیر رئیس جمهور ایالات متحده در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس‌نیوز است که با تکرار ادعاهای بی‌بایه و اساس درباره برنامه هسته‌ای ایران گفته بود: «همه تصور می‌کنند که اسرائیل با کمک و تأیید ما ایران را بمباران خواهد کرد. در نتیجه من این است که چنین اتفاقی نیفتد. به شدت ترجیح می‌دهم که یک توافق با ایران را ببینم. من ترجیح می‌دهم توافقی داشته باشیم که به آن‌ها آسیب نزند.»

گروه دیپلماسی-علی‌ودایع: «دونالد

ترامپ» به قدرت بازگشته است. در آمریکا می‌گویند ؛ روسای جمهوری هنگام ترک کاخ سفید تغییرات زیادی می‌کنند. ترامپ پس از شکست در انتخابات الکتروال ۲۰۲۰ ناچار به ترک واشنگتن شد و حالا دوباره به «خانه» بازگشته‌است.

ترامپ در دور اول با الگوریتم «مرد دیوانه» (MAD THE MAN)، اهری‌دهایش را تعریف می‌کرد. رویکردهای چهل و پنجمین رئیس جمهوری ایالات متحده یادآورد سیاست‌های «پرجارد نیکسون » بود. در دنیای پرخطراره سیاست بین‌الملل، گاهی اوقات غیرمنطقی جلوه دادن می‌تواند یک حرکت حساب شده باشد.

مفهوم مرد دیوانه در فرهنگ سیاسی آمریکا به عنوان یک ابزار تحلیلی می‌تواند به درک بهتر رفتارهای سیاسی و اجتماعی کمک کند. با استفاده از چارچوب‌های نظری مختلف، می‌توان به تحلیل عمیق‌تری از این مفهوم و تأثیرات آن بر سیاست‌های ایالات متحده پرداخت.

چارچوب فکری دیوانه

مفهوم «مرد دیوانه» (Madman Theory) که در سیاست خارجی به کار می‌رود، به استراتژی‌ای اشاره دارد، که یک رهبر می‌تواند خود را به‌گونه‌ای نشان دهد که غیرقابل پیش‌بینی و فراتر از کنترل باشد. نیکسون از این مفهوم برای ترساندن، چانه زنی و تفاهم با دشمنان ایالات متحده استفاده می‌کرد. تئوری مرد دیوانه بر این فرض استوار است که رهبری که رفتاری غیرعادی و غیرقابل پیش‌بینی از خود نشان دهد، می‌تواند دیگر بازیگران جهانی را به دادن امتیازاتی وادار کند که در شرایط عادی حاضر به ارائه آنها نمی‌بینند. اگرچه نیکسون بعداً انکار کرد که چنین رویکردی را پیش گرفته باشد، اما مفهوم «مرد دیوانه» ریشه در اندیشه‌های «تیکولو ماکیاوولی» دارد. ماکیاوولی در کتاب «فنا‌رهای دربار لیبوی» پیشنهاد می‌دهد: «گاهی وانمود کردن به دیوانگی، کاری بسیار خردمندانه است.»

در سال‌های نخست جنگ سرد، استراتژیست‌هایی مانند «دنیل السبرگ» و «توماس شلینگ» نیز به مزایای احتمالی ایجاد شهرت به «دیوانگی» که در شرایط مذاکره اجباری اندیشیدند. شلینگ در کتاب استراتژی تعارض نوشت: «در شرایط تعارض، همیشه به نفع فرد نیست که کاملاً و آشکارا ووذوار در نهایت نتیجه گرفت که ایالات متحده تحت رهبری فردی قرار داشت که بیش از حد احساسی، غیرقابل پیش‌بینی و بی‌ثبات بود.

تغییرات گسترده در خانه

فارغ از مسائلی که در حوزه سیاست خارجی آمریکا مطرح می‌شود ؛ با‌گذشت ترامپ نتیجه یک نارضایتی بزرگ در ایالات متحده از عملکرد «جو‌بایدن» رئیس جمهوری پیشین، «کامالا هریس» معاون اول پیشین و دموکرات‌ها بود. آمریکایی‌ها نمی‌خواهند بیش از این در جنگ‌های بزرگ و پیوسته هزینه کنند. رئیس جمهوری آمریکا مشخصاً جمهوری خواهان می‌خواهند خواسته‌های رای دهندگان را تأمین کنند. آنها به تأثیر بلندمدت این تاکتیک اعتقادی نداشتند. پژوهش‌های علمی نیز تا همین اواخر به موفقیت چنین رویکردی بدبین بودند. مشخصه‌ها تئوری مرد دیوانه شامل:

۱- غیرقابل پیش‌بینی بودن: رهبر (مانند نیکسون یا ترامپ) باید خود را به‌گونه‌ای نشان دهد که دشمنانش نتوانند رفتارهای او را پیش‌بینی کنند. این عدم قطعیت می‌تواند موجب ترس و احتیاط در طرف مقابل شود.
۲- استفاده از تهدید: نشان دادن قابلیت‌های نظامی و تهدید به استفاده از آنها به منظور وادار کردن دیگر کشورها به انجام تعاملات یا توافقات مورد نظر.

رچارد نیکسون، معمار این استراتژی، به رئیس ستاد خود اعلام کرد: «من می‌خواهم ویتنام شمالی باور کنند که به نقطه ای رسیده‌ام که ممکن است برای متوقف کردن

جنگ دست به هر کاری بزنم.» این بیانیه ی هولناک هسته نظریه دیوانه را در بر می‌گیرد – تا دشمنان را به این باور برسانند که شما به اندازه کافی غیرقابل پیش بینی هستید تا اقدامات افراطی انجام دهید.

رفتار نیکسون مبتنی بر دیوانگی و نوعی قدرت طلبی بدون مرز بود. او به بمب افکن‌های B-۵۲ مجهز به سلاح هسته‌ای دستور داد تا به مدت سه روز متوالی در نزدیکی حریم هوایی شوروی پرواز کنند، حرکتی که برای نا‌رام کردن کرملین و سوق دادن آنها به سمت تحت فشار قرار دادن ویتنام شمالی برای مذاکره طراحی شده است.

۳- ایجاد فشار روانی: با به کارگیری این استراتژی، رهبر می‌تواند فشار روانی بر رقبایش ایجاد کند تا آنها را وادار به پذیرش شرایط مورد نظر خود کند.
۴- استفاده در دیپلماسی: استفاده از این تاکتیک می‌تواند به عنوان ابزاری در دیپلماسی به کار رود، به طوری‌که طرف مقابل احساس کند که در صورت عدم همکاری با خطرات جدی مواجه خواهد شد. برخی افراد دفتر ترامپ می‌گویند که «مرد ممکن است او «غیرمنطقی» به نظر برسد، اما رویکردی کاملاً حساب‌شده و منطقی در پشت این رفتار نهفته است.

برخی در واشنگتن معتقد همواره تأکید می‌کنند که ترامپ واقعا مانند یک «مرد دیوانه» عمل می‌کند. این برداشت آنچنان در دور اول رایج بود که «جیم شوتر» خبرنگار شبکه سی‌ان‌ان، کتابی با عنوان «تئوری مرد دیوانه» درباره سیاست خارجی ترامپ نوشت. به گفته «باب وودوارد» که کتاب

مرد مارا لی

چارچوب فکری و رفتاری ترامپ چیست؟

الگوریتم ابهام مرد دیوانه



عطش ترامپ برای معامله با تهران

رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه ساعتی پیش با شبکه خبری فاکس نیز بار دیگر خواهان توافق هسته‌ای با ایران شد و گفت: دوست دارم بدون بمباران با ایران توافق کنم.

خبرنگار شبکه «فاکس نیوز» از ترامپ پرسید: به نظر شما امکان معامله با ایران وجود دارد؟

ترامپ گفت: بله فکر می‌کنم که در مورد ایران معامله ای انجام خواهیم داد. من چنین ترجیحی می‌دهم. افراد زیادی فکر می‌کنند که ما یا اسرائیل با کمک یا تایید ما قصد داریم ایران را بمباران کنیم؛ (در حالیکه) اسرائیل (برای حمله به ایران) به (کمک نظامی) ما نیاز دارد. همه ما نیاز دارند. ما سلاح‌های لازم را داریم. ما قدرتش داریم. ما چیزهایی داریم که هیچ کشور دیگری ندارد. بنابراین آنها به ما نیاز دارند.

وی افزود: من ترجیح می‌دهم که این اتفاق نیفتد. من ترجیح می‌دهم مادامی که امکان‌ش هست، توافقی تحت نظارت، بررسی و بازرسی با ایران انجام دهم یا اطمینان بایم که دیگر (توان) هسته‌ای (نظامی) وجود ندارد.

خبرنگار فاکس نیز گفت: یعنی توافقی بهتر از توافق هسته‌ای اوپاما

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه ادعا کرد: (برجام) احمقانه‌ترین توافق و راهی به سوی سلاح هسته‌ای است که تا الان دیگر منطقی

«ترس» «راب پورتر»، دبیر کارکنان کاخ سفید، حدود یک‌سوم وقت خود را صرف منصرف کردن ترامپ از اجرای ایده‌های شتاب‌زده و تصمیمات ناگهانی‌اش می‌کرد. اما از این مرد دیوانه تا آن مرد دیوانه فاصله است. رئیس جمهوری امروز آمریکا در بی سابقه‌ترین سطح نارسیم و لمس قدرت در واشنگتن تریز قرار دارد. در نگاه ترامپ یک چشم انداز بی مرز مشخص است.

ترامپ در سال ۲۰۱۶ بر روی شعار «آمریکا اول» تأکید داشت و سیاست‌های ملی‌گرایانه‌ای را دنبال می‌کرد. او به دنبال کاهش وابستگی به دیگر کشورها و تقویت صنایع داخلی بود. در مقابل، در سال ۲۰۲۵، ترامپ به گفتمان جدیدی در سیاست خارجی آمریکا تمایز می‌کند که شامل رویکردهای تهاجمی‌تر، متمرکز بر تسلط بر مسیره‌ای استراتژیک جهانی است. این تغییرات به ویژه در زمینه روابط با چین و روسیه مشهود است، جایی که ترامپ به دنبال تقویت موقعیت آمریکا در برابر این کشورهاست

در حالی که استراتژی دیوانه اساساً یک ابزار سیاسی خارجی است، اجرای آن تأثیرات ملموسی در سیاست داخلی دارد. ماهیت غیرقابل پیش بینی ترامپ و متحدان و هم دشمنان را در خطر نگه داشت، اما افکار عمومی آمریکا را نیز دو قطبی کرد.

حاکمان او رهبری را می‌دیدند که مایل بود وضعیت موجود را متزلزل کند، در حالی که منتقدان نگران احتمال اشتباهات خطرناک محسباتی بودند. این شکاف داخلی تفاوت کلیدی بین رویکردهای نیکسون و ترامپ را برجسته می‌کند. در حالی که استراتژی نیکسون تا حد زیادی از دید عموم پنهان بود اما ترامپ خیلی رک و صریح اعلام موضع می‌کند.

یکی از تفاوت‌های قابل پیش بینی درباره ترامپ نسبت به دور اول این است که او به موازات دستگاه دیپلماسی و اطلاعاتی آمریکا (که مشغول پاسکاری است) از گزینه‌هایی نظیر «ایلان ماسک» برای چانه زنی‌های پنهان و آشکار استفاده خواهد کرد. او در گذشته تلاش می‌کرد نظر «هایک مپیتو» وزیرامور خارجه سابق را هم لحاظ کند اما حالا تحمل هیچ حرف مخافی را ندارد و تنها نتیجه می‌خواهد.

فرست و تهدید

ترامپ با اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه و انزواگرایی، به طور قابل توجهی رویکردهای دیپلماتیک را تغییر داد. این سیاست‌ها می‌تواند به تضعیف نهادهای بین‌المللی و توافقات چندجانبه منجر شود، که خود باعث افزایش تنش‌ها و عدم ثبات در روابط بین‌الملل خواهد شد. فضای امروز روابط با اسرائیل با گذشته تغییرات زیادی کرده است. جامعه جهانی طرف حداقل ۴ سال گذشته با سرعت سرسام‌آوری به سمت شکل گیری ائتلاف‌ها و چندجانبه گرایی سفت‌تر در مقابل بلوک غرب حرکت کرده است. بازنویسی جنگ سرد که در حوالی سال ۲۰۱۰ آغاز شده بود ؛ پس از شکل‌گیری جنگ اوکراین، تنش‌های تابناوس و صف بندی‌های ژئوپولیتیکی قسط شمال معادلات جدیدی تعریف کرده است. ماجرای هفتم اکتبر، جنگ غزه، خروج ایران و اسرائیل از جنگ در منطقه خاکستری، سقوط رژیم

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ – ۱۳ شعبان ۱۴۴۶ – ۱۲ فوریه ۲۰۲۵ – سال بیست و چهارم – شماره ۶۴۷۵

دیپلماتیک

سفر وزیر خارجه تر کمستان با تهران

گروه دیپلماسی: اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه با اعلام سفر وزیر خارجه تر کمستان به تهران گفت: این سفر بر اساس دعوت رسمی سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و در چارچوب رایزنی‌های سیاسی دوره‌ای وزرای امور خارجه دو کشور انجام می‌شود.

رشید مروف، معاون رئیس کلابینه وزیران و وزیر امور خارجه تر کمستان امروز سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ به منظور رایزنی با مقام‌های کشورمان در خصوص روابط دو جانبه و تحولات منطقه‌ای به تهران سفر کرده است.

به گفته اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، این سفر بر اساس دعوت رسمی سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه و در چارچوب رایزنی‌های سیاسی دوره‌ای وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و تر کمستان انجام می‌شود.

وزیر امور خارجه تر کمستان که ریاست کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی با ایران را نیز بر عهده دارد، سا برخی دیگر از مقام‌های عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی کشورمان دیدار و گفتگو خواهد کرد.

نکاه

مانور قدرت در دریا

فرستی برای بازدارندگی

«محمد موسان» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد: گمانه‌زنی‌های متعددی در دو مورد زیر در هفته‌های اخیر انجام شده است:

۱) ایران به سلاح هسته‌ای دست یافته یا بسیار نزدیک شده است.

۲) ایران در حال کار روی موشک‌های با بردی خیلی بیشتر از ۲۰۰۰ کیلومتر است (به گفته منابع غربی و سازمان مناقین با برد ۳۰۰۰ کیلومتر و به گفته منابع عربی با برد ۷۰۰۰ کیلومتر).

حال فرض کنیم این پیش‌بینی‌ها و گمانه‌زنی‌ها درست باشد. سوال بعدی اینست که قدم بعدی ایران چگونه باید باشد؟ آیا یک مرتبه باید اعلام کند که به سلاح هسته‌ای دست یافته است؟ البته که خیر.

بهترین گزینه این است که ایران آزمایش موشک‌های قاره‌پیمای خود را از روی یکی از ناوهای نظامی خود از میانه اقیانوس هند انجام دهد. این اقدام، یک مانور قدرت بزرگ و چند وجهی خواهد بود که مزایای زیر را به دنبال دارد:

۱) ایران بدینوسیله اعلام می‌کند که دیگر برای پرتاب موشک، محدود به چارچوب مرزهای خشکی و سیلوه‌های زیرزمینی نیست بلکه از میانه اقیانوس هم می‌تواند این اقدام را اجرا و عملیاتی کند.

۲) دشمنان ایران خواهند فهمید که برد دسترسی ایران

بعث سسوریه و کلاف سسردگم خاورمیانه وضعیت پیچیده ای ایجاد کرده است. نظام و ساختار نظام بین‌الملل شاهد یک وزن کُشی جدید است که پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد سابقه ندارد. اکنومیست می‌نویسد ؛ «فتار ترامپ نسبت به گذشته پر درستر تر خواهد بود. در روش‌های غیرمتعارف او، انباشت و استفاده فرصت‌طلبانه از نفوذ ایالات‌متحده و اعتقاد او به اینکه قدرت به تنهایی صلح را ایجاد می‌کند، نهفته است. صحنه خاورمیانه، نبوغ و استعداد او را برای غیرقابل‌پیش‌بینی بودن به خوبی به نمایش می‌گذارد.» استراتژی مرد دیوانه به تقویت احساسات ملی‌گرای در کشورهای مختلف کمک کرده است. کشورهای دیگر ممکن است به دنبال تقویت هویت ملی خود و کاهش وابستگی به همکاری‌های بین‌المللی باشند، که این امر می‌تواند به بروز تنش‌های جدید منجر شود. آنچه که در مراسم تحلیف ترامپ و لیست بلند راست اقتدارگرایی اروپایی، مداخله ماسک در انتخابات آلمان و وضعیت سیاسی بریتانیا مشاهده می‌کنیم ؛ نشان دهنده جان گرفتن دوباره ناسیونالیسم در اروپا است. ناگفته نماند که جنگ اوکراین هم زمینه ساز اقبال این وضعیت است.

مکانیسم مرد دیوانه ترامپ اگرچه دچار تغییرات شده اما او قابل پیش بینی تر از گذشته شده است. «دانیل درزنر » «فاران پالیسی» می‌نویسد: «روش «مرد دیوانه» ترامپ با متحدان ایالات متحده بهتر از دشمنانش عمل کرد. کشورهای متحد که از تهدیدهای ترامپ مبتنی بر خروج از ائتلاف‌ها و توافق‌نامه‌های تجاری بلندمدت نگران بودند، دست‌کم ظاهری از وفاداری نشان دادند. اما در مواجهه با دشمنان، ترامپ فرصت زیادی برای اعمال این استراتژی پیدا نکرد، چرا که بیشتر درگیر جلب نظر حاکمان اقتدارگرایی چین و روسیه بود. در قبال ایران نیز نتایج متناقض بود.»

نوع رفتار بازیگران کلان بلوک غرب و بلوک شرق یا حتی بازیگران میانی و قدرتهای منطقه ای همگی متأثر از فضای گذشته است. آنچه که در کناره گیری «جاستین ترودو» نخست وزیر کانادا یا حتی پذیرش آتش بس توسط «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر اسرائیل مشاهده کردیم، نوعی اضطراب در رفتار متحدین آمریکا است. البته در دل ایسن وضعیت، ائتلاف‌های جدیدی هم در اروپا برای «مقابله لطیف» با دیکته مرد دیوانه شکل می‌گیرد. مشکل امروز ترامپ اینجاست که او عنصر غافلگیری را مانده گذشته ندارد. اگر رئیس جمهوری آمریکا نتواند دیگران را متقاعد کند که واقعا «مرد دیوانه» است، تنها راه اثبات این ادعا این است که به تهدیدهای عجیب و غریب خود عمل کند. مکانیسم رفتار مرد دیوانه در چارچوب مولفه‌هایی که تشریح شد با یک الگوریتم قابلیت پیش بینی پذیری دارد. ترامپ می‌خواهد «معامله گر قرن» باشد ؛ او در این مسیر به هر میزانی که خواسته‌هایش نزدیک شود، امتیاز می‌دهد و تصویر پیش روی روابط بین‌الملل، یک بی‌نظمی بزرگ مبتنی بر نظم است.جهان جدیدی تعریف کرده است. قدرت‌های قدرتمند و آمریکا می‌خواهد هژمونی واشنگتن را به هر قیمتی حفظ کند.